

تحلیل ساختاری و محتوایی سیمای حضرت زهرا (ع) در اشعار شاعران شیعی معاصر عربی و فارسی

دکتر ابراهیم فلاح^۱

چکیده

تجلی سیمای حضرت فاطمه (ع) در شعر شاعران شیعی متعهد به اهل بیت (ع) از دیرباز تا کنون، به ویژه در شعر دوره معاصر، به وفور دیده می‌شود. شاعران شیعی معاصر در ادبیات عربی و فارسی از دریچه شعر، مظلومیت این بزرگ بانوی جهان اسلام را به تصویر کشانده و به عنوان حلقه اتصال نبوت و امامت به تشنگان حقیقت معرفی نموده‌اند. تعبیر شاعران بیش تر مشترک است؛ ولی در ادبیات عربی به مضامینی هم چون شفاعت، بضعة النبی و جریان فدک بسیار بیش تر از ادب فارسی توجه شده است. در صورتی که در ادب فارسی به ام‌الائمه بودن و فضایل و مناقب عالیة حضرت زهرا (ع) اهتمامی بیش تر شده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به شواهدی از اشعار شاعران شیعی معاصر، به بررسی و تحلیل ساختاری و محتوایی سیمای حضرت زهرا (ع) در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی، جنبه رثایی در هر دو ادبیات عربی و فارسی غالب است و به جنبه حماسی توجهی نشده است. و شاعران ادب معاصر عربی و فارسی در اشعارشان از به کارگیری موسیقی خارجی و داخلی و قافیه و نظام واژگانی خاص جهت تأثیر بیش تر بر مخاطب بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: شیعه، شعر عربی، شعر فارسی، ادبیات معاصر، حضرت زهرا (ع).

۱- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران fallahabrahim@gmail.com

مقدمه

شعر و ادبیات هر قوم با هر مکتب و آیین، آیینۀ تمام‌نمای افکار و اعتقادات و گرایش‌های آن است. شعر شیعی نیز که نماد تفکر و فرهنگ مکتب شیعه می‌باشد، در گسترۀ ادبیات آیینی شاعران ولایی شیعه متجلی است، و از آن‌جا که مدافع استمرار هدایت نبوی از طریق امامت و وصایت می‌باشد، در میان عرب از دوران سلطۀ بنی‌امیه به‌عنوان یک حرکت افشاگرانه و دفاعی فرهنگی، هویت می‌یابد. بی‌شک، بزرگ‌ترین بانوی جهان، حضرت زهرا (ع)، بر تاریخ و ادبیات تأثیری فراوان گذاشته است. «آن‌جا که می‌خواهند عشق و تأثر خویش را نسبت به قهرمان حقیقی بی‌همتایشان ابراز کنند و عاطفه و صدق و جوشش درونی خویش را آشکار سازند، ادبیات را به خدمت می‌گیرند و با زبان عاطفه و عشق، زبان شعر سخن می‌گویند.» (فیض‌الله زاده، ۱۳۹۴: ۲) حال اگر این مصداق، قهرمانی بی‌همتا، الگوی مقاومت و ادب و اخلاق، ام‌الائمۀ، حضرت زهرا (ع) باشد، کدام چشمۀ شعر است که بتواند درخشش شعاع‌های عالم‌تاب آن وجود نازنین را در بر گیرد. شاعران ادبیات عربی و فارسی مظلومیت و شخصیت حضرت زهرا (ع) را مورد اهتمام خویش قرار داده و در دورۀ معاصر، شعرهای فراوان درباره ایشان سروده، و رنگ ولایت به سروده‌های خویش زده‌اند. با توجه به تفاوت تعبیر و دیدگاه در زبان عربی و فارسی و هم‌چنین وجود فرهنگ و ارزش‌های مختلف قومی که در شیوۀ بیان شاعران تأثیرگذار است، اشعار آن‌ها و نوع بیان و دیدگاهشان، در تفسیر شعری از شخصیت و مظلومیت حضرت زهرا (ع) متفاوت است. در این پژوهش به بررسی تحلیل ساختاری و محتوایی در ادبیات عربی و فارسی پرداخته خواهد شد، اما گسترۀ زمانی این پژوهش به دورۀ معاصر و شاعران بزرگ آن محدود شده است.

۱- بیان مسأله

از آن‌جا که شعر و ادب، تأثیری بسیار در برانگیختن عواطف و اثرگذاری بر مخاطب دارد، همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است. به دلیل تفاوت شیوۀ بیان ادبیات نسبت به تاریخ، آثار ادبی تأثیری بیش‌تر بر مخاطبان دارد. شعر و ادبیات فاطمی، به‌عنوان یکی از زمینه‌های مهم و مطرح شعر معاصر، ذهن بسیاری از شاعران متعهد به اهل بیت (ع) را به خویش مشغول داشته است، اما تفسیر و دیدگاه و اهتمام شعری عربی و فارسی در مورد شخصیت مقدس و اعتقادی و تنها یادگار پیامبر (ص) و حلقۀ اتصال پیامبران با ائمه (ع) موضوعی مهم است که نیاز به تحلیل و بررسی دارد.

۲- پرسش‌های تحقیق

- ۱- شاعران شیعی چه محورهایی را در بررسی سیمای حضرت زهرا (ع) مورد توجه قرار داده‌اند؟
- ۲- شاعران ادبیات عربی و فارسی بیش‌تر به کدام‌یک از مضامین درباره حضرت زهرا (ع) پرداخته‌اند؟

۳- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- شاعران شیعی با رویکرد ادبی و ساختاری و محتوایی به ترسیم سیمای حضرت زهرا (ع) همت گماشته‌اند.
- ۲- شاعران معاصر عربی و فارسی درباره حضرت زهرا (ع) به مضامینی چون بزرگ بانوی اسلام، بضعة النبی اهتمامی فزون‌تر ورزیده‌اند.

۴- ضرورت پژوهش

اشعاری فراوان از شاعران ادبیات عربی و فارسی در دوره معاصر به حضرت زهرا (ع) اختصاص یافته که این خود نشانگر ارج نهادن به شخصیت ام‌الائمّه زهرا (ع) است. یکی از اصلی‌ترین دلایل ضرورت این پژوهش، بررسی مضامین و ساختار و عقاید مشترک و اختلاف دیدگاه شاعران عربی و فارسی در مورد حضرت زهرا (ع) و معرفی ایشان از دریچه شعر و ادب به مخاطبان است؛ زیرا اثرگذاری شعر و ماندگاری آن بر افکار مخاطب فراوان است و شاعران معاصر، کوشیده‌اند با این ابزار (شعر) به دفاع از عقاید تشیع و به‌ویژه از مظلومیت آن حضرت بپردازند.

۵- پیشینه پژوهش

در خصوص بررسی سیمای حضرت زهرا (ع) در شعر، آثاری مختلف به‌صورت کتاب در ادبیات فارسی و عربی به نشر رسیده است که از جمله آن‌ها می‌توان به: ۱- مناقب فاطمی (احمد بیرجندی، ۱۳۷۹) در ادبیات فارسی اشاره داشت. در این کتاب به مسأله شعر معاصر زهرایی پرداخته شده و تحلیل و توصیفی صورت نگرفته و جنبه جمع‌آوری داشته است. ۲- فاطمة الزهرا فی دیوان الشعر العربی (گروه شاعران، ۱۴۲۹) در ادبیات عربی به نگارش در آمده است. اثر مذکور فقط به جمع‌آوری و ذکر اشعار شاعران درباره حضرت زهرا (ع) از آغاز تاکنون پرداخته و هیچ‌گونه تحلیل و توضیحی درباره اشعار انجام نشده است. بر اساس اطلاع نگارنده، تحقیقی مستقل در زمینه

بررسی و تحلیل ساختاری و محتوایی سیمای حضرت زهرا (ع) در ادبیات معاصر عربی و فارسی، صورت نگرفته. این پژوهش از این لحاظ، رویکردی جدید است.

۶- حضرت زهرا (ع) در شعر معاصر عربی و فارسی

شاعران معاصر در هر دو زبان، اشعار فراوان با مضامین و ساختار مختلف و با رویکرد ادبی و بیانی درباره حضرت زهرا (ع) سروده‌اند که نشان‌دهنده اعتقاد راسخ شاعران متعهد به اهل بیت (ع) به‌ویژه حضرت زهرا (ع) می‌باشد که در ذیل به آن پرداخته خواهد شد:

۶-۱: ام‌الائمّه

تمامی ائمه شیعه (ع) از نسل و ذریه حضرت زهرا (ع) هستند. به این جهت، حضرت به ام‌الائمّه ملقب گردیده‌اند. ام‌الائمّه بودن حضرت زهرا (ع) بخشی گسترده از سروده‌های درباره ایشان را در برمی‌گیرد و نقشی بنیادین ایفا می‌کند. در واقع شعر عرب هنگامی که ام‌الائمّه بودن حضرت را توصیف می‌کند، هم‌چون یک راوی، مخاطب خویش را از مآووع و جزئیات این امر آگاه می‌سازد. در حالی که شاعران ادب فارسی، بیش‌تر به احادیث در این باره اهتمام ورزیده‌اند و اشعارشان ترجمان احادیث منقول است.

۶-۱-۱: نمونه‌های شعر ادب عربی با مضمون ام‌الائمّه بودن حضرت زهرا (ع)

عبدالمنعم فرطوسی به ام‌الائمّه بودن حضرت (ع) اشاره می‌کند و تصریح می‌نماید که به فرمایش پیامبر (ص)، ائمه بعد از ایشان جانشینان به حق هستند:

وَهِيَ أُمُّ الْأَيْمَةِ الْغُرِّ مَنْ هُمْ بَعْدَ وَحْيِي فِي أُمَّتِي خُلَفَائِي

(گروه شاعران، ۱۴۲۹: ۱۷۱)

«و او مادر امامان بزرگوار است که آنان بعد از من (پیامبر (ص)) در میان امتم جانشینان من هستند.» از منظر موسیقی خارجی که شامل دو عنصر وزن و قافیه می‌شود، واضح است که در اشعار فرطوسی مشاهده می‌گردد. علاوه بر آن از وحدت قافیه هم برخوردار است. در گزینش الفاظ، شاعر دقت فراوان داشته است. به این معنا که الفاظ غالباً با مضامین مورد نظر شاعر، هماهنگ و متناسب است. به عنوان نمونه در برانگیختن احساسات مخاطب از واژگان انگیزنده ام‌الائمّه استفاده نموده است تا بتواند بار معنایی مضاعف به ذهن مخاطب القا نماید.

و یا در بیت دیگر چنین می‌سراید:
وَجَمِيعُ الْأَيِّمَةِ الْعُرَّ مِنْهَا

هُم لِرَبِّ الْعُلَى مِنَ الْأُمَّتِ

(همان، ۱۷۸)

«تمام امامان بزرگ از زهرا (ع) هستند که امانت‌داران خداوند هستند.»

شاعر در ابیات فوق صفتی را برای موصوف ادعا نموده که در عقل و عادت ممکن است که به این صنعت در علم بدیع تبلیغ می‌گویند. صفت عُرَّ به معنای بزرگوار و شریف، تبلیغ است. (زاهدی، بی تا: ۴۵۲)

طبق مضمون این اشعار، حضرت زهرا (ع) مادر خلفای اثنی عشر و زمامداران پس از پیامبر (ص) معرفی شده است که ایشان امین درگاه الهی و از هر گونه خطا و لغزشی پاک هستند. شیخ محمدحسین کمپانی نیز در مدح حضرت زهرا (ع) به ام‌الائمه بودن ایشان اشاره می‌کند و چنین می‌سراید:

أُمُّ الْأَيِّمَةِ الْعُقُولِ الْعُرَّ بَلْ أُمُّ أَيِّبِهَا وَهُوَ عَلَّةُ الْعِلَلِ

(همان، ۲۶۱)

«مادر امامان خردمند و شریف؛ بلکه ام‌ایبها است در حالی که او سبب همه سبب‌ها می‌باشد.» شاعر در این بیت علاوه بر صفت عُرَّ از صفت عقول استفاده نموده که در اصطلاح علم بلاغت «پی‌آوری» نامیده می‌شود. «پی‌آوری» که نغمه و نوا و مایه و معنای سخن را خوش و دلپذیر می‌سازد، یعنی از پی آوردن چند صفت، اسم، فعل و... «(نوروزی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۵۷). طبق مضمون این شعر، حضرت نه تنها مادر ائمه (ع)، بلکه مادر پدرش رسول خدا (ص) نیز معرفی گردیده است. شاعر در بیان واژه ام‌ایبها، به حدیثی از رسول اکرم (ص) و برخی ائمه معصومین (ع) استناد نموده که فرمودند:

«كَانَتْ فَاطِمَةُ تُكْنَى أُمَّ أَيِّبِهَا»، «کنیه فاطمه ام‌ایبها (مادر پدرش!) بوده است.» (جزری، ۱۴۳۰:

۳۶۴/۵)

محبت حضرت به پدر بزرگوارش رسول خدا (ص) به حدی بود که در بیان فضایل ایشان، از لقب ام‌ایبها برای ایشان استفاده می‌شود؛ به نحوی که گویا حضرت مانند مادری مهربان برای پدر بزرگوار خویش بودند که این معنا در بیت مذکور مورد توجه قرار گرفته است.

۶-۱-۲: نمونه‌های شعری ادب فارسی با مضمون ام‌الائمّه بودن حضرت زهرا (ع)

شیخ آیتی بیرجندی در مدیحه حضرت زهرا (ع) چنین سروده است:

أم‌الائمّه عصمت کبری چون در حساب بر یازده ولیّ خداوند مادر است
مریم اگر ز دامنش عیسی ظهور کرد أم‌الائمّه مادر شبیر و شبر است

(احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹: ۱۱۸)

این ابیات از دو عنصر موسیقی خارجی، یعنی وزن و قافیه و موسیقی داخلی، یعنی از ریتم درونی الفاظ و عبارات برخوردار است که ناشی از حروف تشکیل دهنده آن و نیز نحوه چینش آن‌ها در کنار یکدیگر حاصل می‌شود. علاوه بر آن گزینش الفاظ به گونه‌ای است که در مخاطب تأثیر عمیق دارد. واژه عصمت کبری، با مضامین مورد نظر شاعر، هماهنگ و متناسب به نظر می‌رسد.

یکی از فنون بدیعی رمز و اشاره است. شاعر در این بیت عدد یازده را به یازده امام از نسل علی (ع) و خودش اشاره می‌نماید. «رمز یعنی بسته سخن گفتن و با لفظ اندک معانی بسیاری را خبر دادن است» (زاهدی، بی تا: ۳۹۹).

ضیائی، در ابیاتی زیبا، حضرت زهرا (ع) را مادر ائمه اطهار (ع) معرفی نموده و چنین سروده است:

ای فلک عصمت و شفیعۀ محشر مهر جهانی و نور چشم پیمبر
کفو علی مادر ائمه اطهار دختر پیغمبر و حبیبۀ داور

(همان، ۱۱۲)

در ابیات فوق شاعر از اسلوب کنایه از موصوف استفاده نموده است. در کنایه از موصوف خود موصوف مدنظر است و شرط آن اختصاص داشتن به مکتبی عنه و تعدی از آن است تا انتقال صورت بپذیرد (حسینی، ۱۳۷۵: ۳۱۸) معیار این کنایه، تصریح به صفت و عدم اشاره به موصوف می باشد. شاعر در بیت اول به حضرت زهرا (ع) بدون تصریح نام ایشان و با ذکر صفت فلک عصمت و شفیعۀ محشر خطاب می‌کند که مخاطب با شنیدن شفیعۀ محشر به اطمینان قلبی و آرامش می‌رسد. این صفت‌ها در مصرع بعدی و در بیت دوم ادامه پیدا می‌کند و بار معنایی مثبتی دارد، بنابراین کنایه نقشی به سزا در بیان زیبایی و اثرگذاری بر مخاطب ایفا کرده است.

در این ابیات، علاوه بر این که به مقام مادر ائمه بودن حضرت زهرا (ع) تأکید شده است، به مقام عصمت، عفت، بضعة الرسول بودن و دیگر صفات ایشان نیز اشاره اجمالی گردیده است.

۶-۱-۳: ازدواج الهی حضرت زهرا (ع) و امام علی (ع)

یکی از موضوعاتی که شاعران معاصر فارسی و عربی در اشعارشان به آن پرداختند، جریان ازدواج آسمانی حضرت زهرا (ع) با امام علی (ع) است. از جمله فضایی که برای ایشان به‌عنوان مهتر بانوی جهان می‌توان برشمرد، تزویج حضرتش با علی (ع) به فرمان خداوند رحمان بود. پیوند ازدواج مقدس میان علی (ع) و فاطمه (ع) می‌تواند الگو و نمونه‌ای بارز برای جامعه امروزی باشد. «نو عروسی که جهاز او بهای یک زره به قیمت چهارصد درهم و اثاث‌البیت وی چند کاسه و کوزه سفالین باشد.» (شهیدی، ۱۳۹۱: ۶۸) ساده‌ترین نوع ازدواج است.

۶-۱-۴: ازدواج الهی حضرت زهرا (ع) و امام علی (ع) در ادب عربی

از شاعران معاصر در ادبیات عربی که به این مسأله پرداخته عبدالمنعم فرطوسی است:

زُوجَتْ فِي السَّمَاءِ طَهْرًا وَ يُمْنًا وَ عِلَاءَ بِسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ
كَانَ جِبْرِئِيلُ خَاطِبًا لِعَلِيٍّ بَضْعَةُ الطُّهْرِ مِنْ كَرِيمِ الْعَطَاءِ
وَ جَمِيعُ الْمَلَائِكِ الْغُرَّ كَانُوا فِي زَوَاجِ الزُّهْرَا مِنْ الشُّهَدَاءِ

(گروه شاعران، ۱۴۲۹: ۱۷۳)

«در آسمان فاطمه زهرا (ع) با علی (ع) ازدواج کرد و جبرئیل خواستگار زهرا (ع) از پیامبر (ص) بود. فرشتگان بزرگوار و شریف در ازدواج زهرا (ع) و علی (ع) از گواهان بودند.»

این ابیات از وحدت قافیه برخوردار است. واژه‌های اوصیاء، عطاء، شهداء با یکدیگر هم قافیه هستند که از موسیقی خارجی و موسیقی داخلی برخوردار است. هم‌چنین شاعر در گزینش الفاظ و نحوه به کارگیری آن در کلام، در جهت اثرگذاری بر مخاطب از واژه‌های هماهنگ و متناسب طَهْرًا وَ يُمْنًا وَ عِلَاءَ استفاده کرده تا بتواند بار معنایی مضاعفی به ذهن مخاطب القا نماید.

در این ابیات کنایه از صفت به عنوان یک ساختار بلاغی مطرح شده است. در کنایه از صفت، هدف خود صفت است. منظور از صفت، صفتهای معنوی نظیر بخشش و عطا، شجاعت و پاکی است نه نعت. (فاضلی، ۱۳۸۸: ۲۵۳) شاعر به صفت «بضعة الطهر» اشاره نموده که این یکی از ویژگی‌هایی هست که حضرت زهرا (ع) با آن شناخته می‌شدند.

در این ابیات، در جهت بزرگداشت مقام حضرت، جبرئیل امین را به عنوان خواستگار حضرت معرفی می‌کند تا به مقام فرابشری ایشان اشاره نماید؛ چرا که در روی زمین، به جز امیرالمؤمنین (ع) کفو و همتایی برای حضرت زهرا (ع) به عنوان همسر وجود نداشت.

البته فرطوسی در اشعار زیبا، ازدواج علی (ع) و زهرا (ع) را این گونه به تصویر می کشد:

رُؤِجَ النُّورِ يَا مُحَمَّدَ بِالنُّورِ
و زُفَّ الْهَلَالِ بِالْجُوزَاءِ

زَوْجَ اللَّهِ فِي السَّمَاءِ عَلِيًّا
و جَبَاهُ بِالْبِضْعَةِ الزَّهْرَاءِ

(همان)

«ای محمد! نور با نور و ماه نو تازه در آمده با جوزا ازدواج کرد، خداوند زهرا (ع) را در آسمان و او را به زهرا (ع) هدیه داد.»

فرطوسی در مدح حضرت زهرا (ع) اشعار بسیار زیبایی سروده و با بهره گیری از استعاره، تصاویر لفظی عمیقی را با پوشاندن لباس خیال الهام برانگیز به وجود آورده است. در بیت اول واژه نور برای حضرت زهرا (ع) و علی (ع) استعاره به شکل مصرّحه است. که در آن مشبّه به ذکر و مشبّه حذف شده است. این استعاره نقشی به سزا در بیان معانی ایفا می کند. علاوه بر آن در مصرع دوم در ازدواج هلال با جوزا که اشاره به ازدواج این دو زوج دارد، از اصل تجسیم استفاده شده است. در این مصرع شاعر تلاش کرده مفاهیم و حقایق غیرمادی را به ذهن مخاطب نزدیک کند و تصویری زیبا آفریند.

ابیات فوق، اشاره به حدیثی از پیامبر (ص) دارد، که فرمودند:

«ملکی به نزد آمد و گفت: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ
إِبْنَتَكَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَرَوَّجَهَا مِنْهُ فِي الْأَرْضِ» (طبری، ۱۴۲۸: ۱۵۱/۱)

«ای محمد (ص)! خداوند تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید که: همانا من دختری فاطمه (ع) را در عرش برین به تزویج علی بن ابی طالب (ع) در آوردم، حال تو در زمین این دو را به همسری یکدیگر در آور.»

شیخ علی بن حسن جشی در ابیاتی زیبا، فقط علی (ع) را کفو حضرت زهرا (ع) می‌داند:

هِيَ النُّورُ مِنْ نُورٍ وَ بِالنُّورِ زُوِّجَتْ
تَبَارَكَ رَبُّ فِيهَا جَمَعَ الْخَيْرَا

(همان، ۲۳۱)

«او (زهرا (ع)) نور است و از نور و با نور ازدواج کرد. خداوند تمام خیر را در این دو شخص جمع کرد.»

در این ابیات هم شاعر با استفاده از استعاره مصرّحه تصویر زیبایی از زهرا (ع) ارائه نموده است.

در ابیات فوق شاعر از اصل تخییل استفاده نموده است. با استفاده از واژه نور تصویر آفرینی نموده و تصویر علی (ع) و زهرا (ع) را در ذهن مخاطب آفریده است. هنر واقعی ادبا و شعرا در آن است که به جای تعبیراتی مستقیم از حقیقت اشیا آنها را در قالب‌هایی بدیع و مصور و خیال‌انگیز عرضه می‌دارند. آن‌چنان که توسن فکر را در پهن دشت خیال به جولان درمی‌آورند و انسان را به عالمی از نشاط و سرور منتقل می‌سازند. (عبدالطوب، ۱۹۹۵: ۲۵).

در این بیت نیز به وجود نورانی امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (ع) و ازدواج ایشان اشاره و تأکید شده است.

۶-۱-۵: ازدواج الهی حضرت زهرا (ع) و امام علی (ع) در ادب فارسی

شاعران ادب فارسی هم به ازدواج آسمانی حضرت زهرا (ع) و علی (ع) پرداخته‌اند که در ذیل اشعار ضیائی مطرح خواهد شد.

ذات علی گر نبود هیچ نبودی
کفو کریمی تو را برابر و همسر
نور علی شد قرین نور تو گفتند
فاطمه را شاه لافتاست برابر

(احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹: ۱۱۳)

این ابیات نیز اشاره به مطلب مذکور دارد که اگر امیرالمؤمنین (ع) نبود، برای فاطمه (ع) کفو و همتایی وجود نداشت. به لحاظ ساختاری ابیات فوق هم از نظر موسیقی خارجی که شامل قافیه و وزن می‌شود و هم موسیقی داخلی که شامل ریتم درونی الفاظ و عبارات و نحوه چینش آنها در کنار یکدیگر می‌باشد، برخوردار است. واژه‌های همسر و برابر هم قافیه هستند. هم‌چنین شاعر از نظام واژگانی خاص استفاده نموده که با مضامین مورد نظرش هماهنگ است.

محمدعلی مردانی در اشعاری زیبا چنین می‌سراید:

ای یگانه گوهر خلقت که همتای تو نیست
جز ولی الله اعظم کفو و همتای دگر
آن که انگشتر به سائل داد هنگام نماز
آن که اطعام مساکین کرد هر شام و سحر

(همان، ۱۳۸)

در ابیات فوق اقتباسی از نوع حل وجود دارد. حل آن است که تفسیر و ترجمه آیه یا روایتی را در نظم بیاورند. (زاهدی، بی تا: ۳۰۳۰).

ابیات فوق به آیه شریفه ۵۵ سورة مائده اشاره دارد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

۶-۱-۶: جریان فدک و مظلومیت زهرا (ع)

فدک سند مظلومیت حضرت زهرا (ع) می باشد که مورد اهتمام شاعران در ادب فارسی و عربی معاصر قرار گرفته است. در نزدیکی خیبر، دهکده ای آبادان بود که «فدک» نام داشت. مردم این دهکده همین که پایان کار قلعه های خیبر را دیدند، با پیامبر (ص) آشتی کردند که نیمی از این دهکده از آن او باشد، و آنان در مزرعه های خود باقی بمانند. مصالحه به این صورت انجام گرفت و چون سربازان مسلمان، در فتح این دهکده شرکت نداشتند، به حکم قرآن، فدک خالصه پیغمبر (ص) گردید. (حشر/۵۹) رسول خدا (ص) درآمد این زمین را به مستمندان بنی هاشم می داد سپس آن را به دختر خود فاطمه (ع) بخشید. (حموی، ۱۴۲۹: ۴۱۸/۶)

گروهی از مفسران و محققان ذیل آیه: «وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (روم/۳۸) نوشته اند: چون این آیه نازل شد، پیامبر (ص) فدک را به فاطمه (ع) بخشید. (سیوطی، ۲۰۱۰، ۱۷۷/۴، طوسی، ۱۳۸۳: ۲۲۸/۸، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۵، ۴۷۶/۱)

۶-۱-۷: نمونه های شعری ادب عربی با مضمون جریان فدک و مظلومیت حضرت زهرا (ع)

شاعران در ادبیات عربی بسیار به مسأله فدک توجه نشان داده اند و کمیت ابیات با مضامین فدک در اشعار عربی بیش تر از ادب فارسی است. عبدالمنعم فرطوسی در ابیات بسیار زیبا درباره فدک تصریح نموده و چنین سروده است:

فَدَاكَ نَحْلَةً بِكُلِّ سَخَاءٍ	كَيْفَ شَحُوا وَأَحْمَدُ قَدْ حَيَاهَا
دُونَمَا حُجَّةٍ وَدُونِ اخْتِشَاءٍ	مَنْعُوهَا عَنْ إِزْثَمَا مِنْ أَبِيهَا
كُلَّ مَا أَضْمَرُوا لَهَا فِي الْخَفَاءِ	غَضَبُوا حَقَّهَا جَهَارًا فَأَبَدُوا
وَهِى كَأَنَّكَ مِنْ أَقْرَبِ الْأَقْرَبَاءِ	أَنْكَرُوا فَرَضَ إِزْثَمَا مِنْ أَبِيهَا
فَدَاكَ عَنْ سَلِيلَةِ الْأَنْبِيَاءِ	حِينَ ضَدُّوا بِيَدَعَةٍ وَنَفَاقِ

(گروه شاعران، ۱۴۲۹: ۱۹۴)

«چگونه حرص و بخل ورزیدند؛ در حالی که پیامبر (ص) فدک را به زهرا (ع) بخشید. زهرا (ع) را از ارث پدرش محروم نمودند، بدون هیچ دلیل و استدلالی حق او را آشکارا غصب کردند،

پس همه آن چه را که پنهان داشتند، آشکار نمودند. واجب بودن ارث زهرا (ع) از پدرش را منکر شدند و در حالی که فاطمه (ع) نزدیک ترین شخص به پیامبر (ص) بود. در همین هنگام با بدعت و دورویی فدک را از فرزند پیامبران ممانعت کردند.»

محوریت اشعار مذکور، اعتراض به غضب فدک از حضرت است، در صورتی که طبق سفارش پیامبر (ص) باغ فدک حق ذوی القربی و نزدیکان پیامبر (ص) بود. ابیات فوق با کیف استفهام شروع شده که در معنی وضعی خود به کار نرفته است. و در معنی فرعی توییخ و تقریر (واداشتن مخاطب به اقرار) ذکر شده که خود نوعی بلاغت و ظرافت و زیبایی است (نصیریان، ۱۳۸۰: ۶۴).

و یا در این بیت جشی سروده است:

يَا بِنْفِيسِي مَحْرُومَةً مِنْ تُرَاثٍ
مِنْ أَبِيهَا وَ نَحْلَةٍ أَعْطَاهَا

(همان، ۲۳۴)

«قسم به جانم که از ارث پدرش و هدیه‌ای را که به او بخشیده محروم شده است.» مقصود از بخشش خداوند، اشاره به آیه شریفه ۳۸ سوره روم دارد که طبق مضمون این آیه، دادن حق خویشاوندان از وظایف پیامبر (ص) شمرده شده است. در این بیت تلمیح زیبایی وجود دارد و شاعر برای اثبات مطلب خود به آیه یاد شده اشاره نموده است. (زاهدی، بی تا: ۳۸۶) مدرسی در قصیده فدک این گونه سروده است:

فَدَكُ فِتْنَةُ الزَّمَانِ وَ سِحْرُ آلٍ
وَ كَذَلِكَ الْأَنْفَالُ لَيْسَ لِغَيْرِ آلٍ
وَ لَهُ حُكْمُهَا فَيُعْطَى قَلِيلًا
وَ لَكُمْ أَقْطَعُ النَّبِيِّ وَ أَعْطَى النَّـ
وَ اصْطَفَى مِنْ جَمِيعِ تِلْكَ الْمَعَانِي
آتِ حَقَّ الْقُرْبَى أَتْتَهُ بِآيٍ
فَحَبَّاهَا لِبَيْتِهِ وَ هُوَ أَذْرَى
أَرْضٍ وَ الْجَنَّةُ الَّتِي تَهْوَاهَا
لَهُ وَ الْمُصْطَفَى الْأَمِينِ جَنَاهَا
أَوْ كَثِيرًا لِمَنْ يَشَاءُ مَا يَشَاءُهَا
إِسْ مِنْ نَفْلِهَا الَّتِي أَعْطَاهَا
فَدَكًا كَانَ عِنْدَهُ مَجَنَاهَا
لَمْ تَكُنْ غَيْرُ فَاطِمٍ مَرْمَاهَا
أَنْ مَرَضَى إِلَهٍ فِي مَرَضَاهَا

(همان، ۱۲۴)

«فدک آزمایش روزگار و سحر و جادوی زمین است و بهشتی که به آن مشتاقی. هم چنین انفال برای غیر خدا نیست و پیامبر (ص) برگزیده آن را گرفته است. و حکم فدک برای پیامبر (ص) است و می‌بخشد اندک یا بسیار برای کسی که بخواهد. و چه بسا پیامبر (ص) حق خودش را جدا

کرد و از غنایمی که به او بخشیده بودند، به مردم عطا کرد. برگزید از تمام این ثروتش فدک را که در نزد پیامبر (ص) بود. بده حق خویشاوندان را در مورد فاطمه (ع) آیاتی آمده که هدف از این آیات فاطمه (ع) است. پس فدک را به دخترش بخشید و در حالی که او می‌دانست خشنودی خداوند در خشنودی زهرا (ع) است.»

دلالت این اشعار نیز در زمینه دفاع از حق مسلم و بدیهی حضرت زهرا واضح است. در مصرع اول ابیات فوق واژه «فدک» را به صورت نکره ذکر نموده است. که این امر به جهت تعظیم مسندالیه است. تعظیم، یعنی مقام و والایی جایگاه و شخصیت و منزلت است (حسینی، ۱۳۷۵: ۱۰۹). فدک در تاریخ اسلام جایگاهی رفیع دارد که شاعر در صدد معرفی آن برآمده است. هم‌چنین آتی حَقُّ الْقَرِیْبِ را در ابیات خود تضمین نموده است. و با این آیه در صدد اثبات فدک برای زهرا (ع) است.

۶-۱-۸: نمونه‌های شعری ادب فارسی با مضمون جریان فدک و مظلومیت زهرا (ع)

ناظر زاده کرمانی در رابطه با فدک سروده است:

دنیای نساخت با تو و کاری شگفت نیست
این خاکدان پست کجا بود جای تو؟
پیش تو خاک بود قدم زانکه در فدک
بوسه به افتخار، ملک خاک پای تو

(احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹: ۱۰۳)

در ابیات مذکور، ارزش و منزلت حضرت زهرا (ع) فراتر از این خاک معرفی شده است. در بیت اول واژه کجا از ادوات استفهام است و برای طلب تعیین مکان به کار می‌رود و در عربی معادل این می‌باشد. (حسینی، همان: ۲۰۹) استفهام در معنای مجازی به کار رفته که جهت تنبیه مخاطب می‌باشد.

لیک همی دانم آن که مردم ناکس
هتک نمودند احترام تو یک جا
حقّ علی غصب گشت ارث تو ممنوع
ضلع تو مکسور از تعدّی اعدا

(همان، ۱۰۸)

در این دو بیت نیز ضایع شدن حق اهل بیت (ع) و هتک حرمت به ایشان مورد تأکید قرار گرفته است.

مؤید هم درباره جریان فدک چنین سروده:

ای شده محروم ز ارث پدر
عالم و آدم ز غمت خون‌جگر

عصمت یزدانی و معصومه‌ای

زوج تو مظلوم و تو مظلومه‌ای

(همان، ۱۴۴)

در این ابیات نیز محروم شدن از ارث و حق مسلم حضرت مورد تأکید قرار گرفته است. در این بیت شاعر برای اظهار دردمندی زهرا (ع) را مورد ندا قرار می دهد و می خواهد تصویر عمیق درد و رنج آن حضرت (ع) را به نمایش بگذارد. شاعر در مصرع دوم بیت اول، عالم را به صورت انسانی به تصویر کشیده که خون جگر شده است. این شیوه در برانگیختن احساسات مخاطبان نقش به سزا دارد. به این اصل در علم بیان تشخیص گفته می شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

۹-۱-۶: فضایل و مناقب عالیة حضرت زهرا (ع)

یکی دیگر از محورهایی که شاعران ادب فارسی و عربی آن را مورد اهتمام قرار داده‌اند، فضایل و مناقب آن حضرت است. حضرت زهرا (ع) به عنوان فخر زنان عالم، سید نساء العالمین و الگو و اسوه جاودانه عصمت و طهارت مطرح است. در عصر اموی و عباسی، شاعران کم تر به این موضوع پرداخته و از آن مغفول مانده‌اند، اما در دوره معاصر، اکثر شاعران ادب عربی به ذکر مناقب بلندمرتبه حضرت زهرا (ع) توجه نشان دادند که با اقتباس و تضمین از روایات و آیات موجود مدد جست‌اند. پیامبر (ص) درباره حضرت زهرا (ع) فرمودند: «فَوَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ حَقًّا إِنَّكَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (ابن مغازلی، ۱۳۹۴: ۳۹۹) «سوگند به ذاتی که به حق مرا مبعوث فرمود، همانا تو بانوی زنان جهانی.»

۱۰-۱-۶: فضایل حضرت زهرا (ع) در ادب معاصر عربی

اعرجی استدلال می کند که اگر مادر عیسی (ع) در میان زنان قومش برتری دارد، فاطمة زهرا (ع) بر همه زنان عالم برتری دارد.

فَإِنَّ أُمَّ عِيسَى فُضِّلَتْ فِي نِسَائِهَا
فَفَاطِمَةُ حُصِّتْ عَلَى الْكُلِّ فِي الْفَضْلِ

(گروه شاعران، ۱۴۲۹: ۲۹۰)

جشی فضایل و مناقب زهرا (ع) را بر می شمارد و تصریح می کند کسی در میان زنان عالم شبیه حضرت زهرا (ع) نیست و بهترین زنان عالم از آسمان به زمین در قالب بشری به عنوان زهرا (ع) آمده است:

فَمَا فِي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مُمَاتِلٌ
إِلَيْهَا وَلَا شَبِيهَ وَلَا مَرِيَمَ الْعَذْرَا
وَهَلْ فِي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ نَظِيرَهَا
فَمَنْ ذَا تَرَى مِنْهُنَّ إِنْسِيَةً حَوْزَاءَ؟

وَ خَيْرَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَنَزَّلَتْ
إِلَى الْأَرْضِ فِي بَشَرٍ لِّكَى تَقْبَلَ الزَّهْرَا

(همان، ۲۳۱)

در بیت دوم با ادات استفهامی هل شروع کرده که در معنای مجازی به کار رفته است که مطلوب و مقصود در این بیت، حصول تصدیق و ثبوت بهترین زن عالم برای زهرا (ع) است. زیرا هل تنها برای طلب تصدیق است. (حسینی، ۱۳۸۰:۲۰۸)

فرطوسی برترین زنان عالم را بر می‌شمرد و می‌گوید در میان چهار زن برتر عالم، زهرا (ع) سرور همه زنان عالم است:

سَيِّدَاتِ النَّسَاءِ فِي الْخَلْقِ طُرًّا
أَرْبَعٌ قُدَّسَتْ بِأَعْلَى النَّسَاءِ
زَوْجُ فِرْعَوْنَ وَ الْبُتُولُ تَلِيهَا
أُمُّهَا إِثْرَ مَرْيَمَ الْعَذْرَاءِ
وَ الْبُتُولُ الزَّهْرَاءُ أَفْضَلُ قَدْرًا
جَلَّالًا مِنْ سَيِّدَاتِ النَّسَاءِ

(همان، ۱۷۷)

در این ابیات شاعر از آرایه جمع مؤنث و مختلف استفاده نموده است به این ترتیب که شاعر چند چیز را مدح کرده سپس یکی از آن‌ها را مزیت می‌دهد. (زاهدی، بی‌تا: ۴۳۶). از میان چهار زن سرور عالم، زهرا (ع) را بر تمام آنان برتری می‌دهد.

مدرسی در اشعارش می‌گوید اگر مریم (ع) در میان امتش سرور است، زهرا (ع) در تمامی امت‌ها سرور و سید نساء العالمین است و مریم و آسیه و حوا و ساره به او نرسیده‌اند:

إِنْ تُسَدُّ مَرْيَمٌ فِي أُمَّتِهَا
فَلَقَدْ سَادَتْ جَمِيعَ الْأُمَمِ

(همان، ۱۲۳)

فَاطِمَةُ بِنْتُ أَحْمَدِ سَادَتْ الْخَلْقَ
لَمْ تَنْلِ مَرْيَمَ وَ آسِيَةَ الزَّهْرَاءِ
جَمِيعًا رَجَالَهَا وَ نِسَاءَهَا
وَ لَا سَارَةَ وَ لَا حَوَاهَا

(همان، ۱۴۶)

در این بیت فاطمه (ع) به عنوان مسندالیه مقدم شده است که به جهت اهتمام و کمال عنایت می‌باشد. منظور از این تقدیم در حقیقت تعظیم مسندالیه است که سیادت سروری آن حضرت بر مریم و آسیه و ساره بیان شده است. از دیدگاه این شاعران، حضرت زهرا (ع) برترین زنان عالم است که موقعیت و جایگاهی فرابشری دارد و از افلاک، در جهت واسطه فیض بودن برای ابنای بشر به این دنیا نازل گشته است. حضرت از تمامی زنان در طول تاریخ از بدو خلقت تا قیامت برتر

است. از لحاظ ساختاری ابیات فوق از وحدت قافیه برخوردار است. واژه های نساها و حواها هم قافیه هستند. شاعر در به کارگیری الفاظ و نحوه چینش آن در کلام خود، دقتی فراوان داشته است. به عنوان نمونه در بیان فضایل زهرا (ع) از اسلوب تأکید با به کارگیری واژه جمیعاً، هم‌چنین با ذکر نام زنان برتر، و در پایان ذکر نام زهرا (ع) تصویری زیبا خلق نموده است و توانسته بار معنایی مضاعفی به ذهن مخاطب انتقال دهد.

۶-۱-۱۱: فضایل حضرت زهرا (ع) در ادب معاصر فارسی

در ادامه به فضایل و مناقب حضرت زهرا (ع) در ادب فارسی پرداخته می‌شود. ناظر زاده کرمانی، زهرا (ع) را بانوی خاندان فضیلت برمی‌شمرد و تصریح می‌نماید که هر چه فخر و شرف در جهان هست، اختصاص به ایشان دارد:

ای افتخار عالم هستی لقای تو	پاینده چون بقای حقیقت بقای تو
اسلام سرفراز به ایمانت از نخست	خورشید پرتوی ز فروزنده رأی تو
من هیچ کس دگر شناسم به روزگار	بانوی خاندان فضیلت سوای تو
الحق که هر چه فخر و شرف بود در جهان	می‌خواست خاصّ شخص تو باشد خدای تو

(احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹: ۱۰۲)

از لحاظ ساختاری در موسیقی خارجی که شامل وزن و قافیه می‌شود، واضح است که اشعار دارای قافیه هماهنگ است. واژه‌های بقای، رای، سوای، خدای با یکدیگر هم قافیه هستند. شاعر برای انتقال بار معنایی زیبا، از نظام واژگانی خوبی استفاده نموده است. در بیان فضایل زهرا (ع) از ترکیب‌های افتخار عالم هستی، بانوی خاندان فضیلت در جهت برانگیختن احساسات مخاطب بهره برده است. در بیت دوم تشبیه مقلوب وجود دارد. زهرا (ع) در اوج درخشندگی و نورانیت وجود دارد که خورشید از وجود نور او بهره‌مند است. این تشبیه جلوه‌ای از جلوه‌های هنروری و نوآوری است که نظر مخاطب را جلب می‌کند. در این ابیات، صفات نیکویی هم چون ایمان راسخ، برای حضرت در نظر گرفته شده و تمامی فخر و شرف را مختصّ ایشان می‌داند.

امّ الکتاب امّ فضل امّ علومی	أم ابیہات خوانده خواجه اسری
مادر گیتی نزاده همچو تو دختر	خادمه در گه تو ساره و حوا

(همان، ۱۰۷)

این دو بیت نیز در صدد بیان فضایل بی‌نظیری هم‌چون علم بسیار و امّ آبیها بودن حضرت است. در بیت دوم آرایه استعاره وجود دارد. به این منظور که دنیا به مادر تشبیه شده سپس مادر را به گیتی اضافه نموده که از نوع اضافه استعاری می‌باشد. این نوع بیان، ادبی‌تر است و شخصیت یا تشخیص تصویر هنری زیبایی است که شاعر آن‌را به کار گرفته است.

ضیائی، زهرا (ع) را سرور زنان عالم و موجب افتخار مریم (ع)، خدیجه (ع) و حوّا (ع) برمی‌شمرد و تصریح می‌نماید:

سویه جمله زنان دو عالم	عالم ایجاد را وجود تو مفخر
مفخر حوّا و افتخار خدیجه	مفخر از خدمت تو مریم و هاجر
با تو شناسند حقّ چهار گهر را نور	احمد و سبطین را ساقی کوثر
تو از نور کبریا شده مشتقّ	زهرة و زهرات خوانده خالق اکبر

(همان، ۱۱۲)

تأکید این ابیات نیز نور وجودی حضرت و شناخت فضایل بی‌شمار ایشان است. محمدحسین آیتی، زهرا (ع) را خاتون هشت بهشت و بانوی نه رواق می‌داند و در این‌باره سروده است:

خاتون هشت جنّت و بانوی نه رواق	آری جمال خلد به زهرای ازهر است
با مصطفی، صفات کمالش مشابه است	با مرتضی مقام جلالش برابر است
در پیکرش، کمال معالی مجسم است	در عارضش جمال معانی مصور است

(همان، ۱۱۷)

شاعر در بیت اوّل برای عظمت و مدح و ثنای زهرا (ع) بیان می‌دارد که زیبایی بهشت از پرتو زیبایی آن حضرت است که از نوعی مبالغه مطبوع و ادیبانه برخوردار است نه اغراق آمیز. شاعر در تصویرپردازی زیبایی که در این ابیات انجام داده، استفاده از برخی الفاظ و عبارات رمزگونه است. لفظ جنّت رمزی از آسایش و نشاط مؤمن در بهشت است. علاوه بر آن از منظر اسالیب بیانی، ابیات فوق در درجه ممتاز قرار دارد.

مردانی در اشعاری بسیار زیبا، زهرا (ع) را مایه ایجاد خلقت، اختر برج سعادت معرفی می‌نماید و چنین سروده است:

ای گل گلزار عصمت دختر خیرالبشر
اختر برج سعادت، عرش حقّ را زیب و فخر

تاج آدم، جان حوّا، نور حی دادگر
مظهر شمس الضحی و مظهر نجم و قمر
ای وجودت منشأ پیدایش نسل بشر
معنی قرآن واصل کوثر و فخر پدر
(همان، ۱۳۷)

مایه ایجاد خلقت، ملک امکان را مدار
آسمان دین و بحر دانش و کان سخا
ای ضیای دیده احمد عزیز کردگار
احمدت امّ اَبیها گفت و خواندت ذوالمنن

در بیت اول گل استعاره است برای زهرا (ع) که هم در گل ظرافت وجود دارد و هم در انسان و علاقه مشابَهت در این به کارگیری وجود دارد. علاوه بر آن آرایه پی آوری در این ابیات مشاهده می شود که در حقیقت نغمه و نوا و مایه و معنای سخن را خوش و دلپذیر ساخته است. شاعر در بیت سوم حضرت زهرا (ع) را در تصویری بدیع آسمان دین و دریای دانش و معدن بخشش ترسیم نموده است و دورنمایی از خصایص و اوصاف حضرت (ع) را در اختیار مخاطبان قرار داده است. هم چنین ترکیب شمس الضحی تلمیح و اشاره زیبا به آیه اول سوره شمس دارد: و الشمس و ضحیها.

۶-۱-۱۲: بضعة النبی (ص)

پیامبر اسلام (ص) در سخنان خویش بارها حضرت زهرا (ع) را «بضعة»، یعنی پاره تن خود نامیدند: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَاءَتْهَا فَقَدْ سَاءَتْ بِي» (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۳۷۴)، «فاطمه (ع) پاره تن من است، کسی که مایه سرور و شادمانی وی شود، مرا مسرور کرده و کسی که نسبت به وی بدی کند مرا آزرده است.» شاعران این امر را نیز با بیان شیوای خویش به تصویر کشیده اند.

۶-۱-۱۳: نمونه شعری ادب عربی معاصر با مضمون بضعة النبی

در ادب عربی، بازتاب این مضمون، بیش تر از ادب فارسی بوده است. اکنون به نمونه هایی از این اشعار در ادب فارسی و عربی اشاره خواهد شد. مهدی أعرجی، آزار به زهرا (ع) را آزار به خداوند می داند و سروده است:

فَكَمْ يَهَاكَا نَ يَقُولُ أَحْمَدُ
لِلْمُسْلِمِينَ مَجْلِسًا فَمَجْلِسًا
فَاطِمَةُ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا
أَعْضَبَ جَبَّازَ السَّمَاءِ وَ أَسَا

(گروه شاعران، ۱۴۲۹: ۲۸۹)

بیت دوم اشاره است به حدیث پیامبر (ص): «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي» (بخاری، ۱۳۸۹: ۲۶/۵)، «فاطمه (ع) پاره تن من است، هر که او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.» شاعر در بیت دوم به هنگام تنبیه مخاطب از حدیث پیامبر (ص) اقتباس نموده است. فرطوسی در هنگام بیان اشعار خویش به روایات و سخنان پیامبر (ص) درباره زهرا (ع) اهتمام بسیار دارد و چنین سروده است:

بَضْعَةٌ مُعَلِّئًا بِغَيْرِ حَفَاءِ	قَالَ فِيهَا النَّبِيُّ: فَاطِمٌ مِنِّي
لِشَقِيَّ أَسَاءَهَا بِالْحَفَاءِ	مَنْ جَفَّاهَا فَقَدْ جَفَّانِي فَوَيْلٌ
خَيْثُ أَضْحَى إِيدَاؤُهَا إِيدَائِي	وَرِضَاهَا فِي كُلِّ شَيْءٍ رِضَائِي

(همان، ۱۷۸)

«پیامبر (ص) درباره زهرا (ع) فرمود: فاطمه (ع) پاره تن من است، آشکارا اعلام کرده‌ام. کسی که به او ستم کند، مرا ستم نموده. پس ای وای بر بدبختی که به او ظلم نموده است. خشنودی او در هر چیزی، خشنودی من است، تا جایی که آزار او آزار به من است.» در ابیات فوق فرطوسی از حدیث پیامبر (ص) اقتباس نموده و مستقیماً و بدون تصرف در اشعارش مطرح نموده است. این نوع اقتباس، «اقتباس فقط» نامیده می‌شود. (زاهدی، بی تا: ۳۰۰).

مدرسی با بیانی زیبا، زهرا (ع) را پاره تن بهترین خلق برمی‌شمرد و می‌گوید هنگامی که آن حضرت خشمگین شود، خداوند هم خشمگین خواهد شد. پاره قلب بهترین بندگان و از وجود او به وجود آمده است:

يُعْضِبُ اللَّهُ حِينَ تُعْضِبُهَا الْخَلْقُ	وَيَرْضَى عَنِ خَلْقِهِ لِرِضَاهَا
بَضْعَةٌ مِنْ فُؤَادِ خَيْرِ الْبَرِيَا	وَقَدْ أَشْتَقُّ مِنْ حَشَاةٍ حَشَاهَا

(همان، ۱۴۶)

«خداوند خشمگین می‌شود هنگامی که خلق بر او خشم بورزند و از خلقش خشنود می‌شود به خاطر خشنودی فاطمه (ع) پاره‌ای از قلب بهترین مردم و فاطمه (ع) از پهلوی او جدا شده است.» شاعران ادب عربی بسیار به حدیث پیامبر (ص) درباره زهرا (ع) توجه نشان داده‌اند که در اشعار مدرسی هم نمود آن آشکار است. شاعر در ابیات فوق از حدیث منقول از پیامبر (ص) عبارت «بَضْعَةٌ مِنِّي» را اقتباس نموده که به معنای فاطمه (ع) جزئی از من است، همان گونه که تگه‌ای از

گوشت، جزئی از بدن است. در این عبارت از تصویر آفرینی مجاز استفاده شده است. ذکر جزء و اراده کل، یعنی زهرا (ع) خود من است.

۶-۱-۱۴: نمونه شعری ادب فارسی معاصر با مضمون بضعة النبی

توجه به این حدیث گرچه در ادب فارسی به آن اشاره شده، ولی کمیت آن بسیار کم تر از زبان عربی است.

شفیق در این باره چنین سروده است:

ای در درج حیا و آیت عظمی

بضعة خیر الوری و مریم کبری

(احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹: ۱۰۷)

در این بیت آرایه استعاره وجود دارد و فاطمه (ع) به در و مروارید تشبیه شده و از نوع مصرّحه است که در استعاره مصرّحه، مستعارمنه امری محقق و ثابت است.

پاره قلب پیامبری و بفرمود رنجش او هست رنجش من و داور

(همان، ۱۱۳)

بیت فوق در اشاره به این حدیث پیامبر (ص) سروده شده است: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا» (متقی هندی، ۱۴۰۵، ج ۱۲: ۱۱) «فاطمه (ع) پاره تن من است، آزار او آزارم می باشد.» مؤید درباره بضعة النبی سروده است:

أمّ آب و بضعة خیر الأنعام مادر دو رهبر صلح و قیام

(همان، ۱۴۳)

مؤید هم در این بیت با توجه به سخنان پیامبر (ص) تلمیحی زیبا به بیانات پیامبر (ص) در مورد زهرا (ع) برای اثبات مطلب خود ذکر نموده است. در مصرع دوم، شاعر با به کارگیری کنایه از موصوف، ذهن مخاطب را تحریک و او را به تعمق در معنا وامی دارد. کنایه در اشعار دینی از ارزش بلاغی و اثرگذاری خوبی بر مخاطب برخوردار است. معیار این کنایه تصریح به صفت و عدم اشاره به موصوف است. شاعر با استفاده از واژه های دو رهبر صلح و قیام به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به صورت بیان پوشیده سخن می گوید.

این اشعار و روایات را می‌توان با آیاتی که در آنها به عواقب سوء اذیت و آزار رسول خدا (ص) اشاره شده است، مطابق دانست، مثلاً خداوند متعال در آیات ۵۷ سوره احزاب آورده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»

«آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آنها عذابی خوارکننده آماده کرده است.»

ایذای پروردگار، نافرمانی از دستورها و خواست و اراده ذات باری تعالی است. آزار خداوند مفهومی وسیع دارد که یکی از این موارد آزار، اذیت و آزار بنده خالصش، یعنی رسول گرامی اسلام (ص) است. اذیت پیامبر (ص) نیز معنایی گسترده دارد و هرگونه کاری که او را برنجانند، شامل می‌شود. طبق احادیث مذکور از مستدرک حاکم، یکی از موارد اذیت رسول (ص)، که همان آزار خدا است، اذیت و آزار دختر بزرگوارشان، یعنی حضرت فاطمه (ع) به شمار می‌رود. در نتیجه، آزاردهنده فاطمه (ع)، لعنت خدا را به جان خریده است.

۶-۱-۱۵: شفاعت حضرت زهرا (ع)

یکی از شفیعیان روز قیامت، حضرت زهرا (ع) است که شاعران ادب فارسی و عربی در اشعارشان این موضوع را مورد اهتمام قرار داده‌اند. پیامبر (ص) در این باره فرمودند:

«يَا حَسَنُ وَ يَا حُسَيْنُ، أَنْتُمَا كَفَّتَا الْمِيزَانَ، وَ فَاطِمَةُ لِسَانُهُ... أَنْتُمَا الْإِمَامَانِ وَ لِأُمُّكُمَا الشَّفَاعَةُ» (اربلی، ۱۳۸۱: ۵۰۶/۱)، «ای حسن و ای حسین (ع)! شما دو کفه ترازو، و فاطمه (ع) زبانه آن است. شما امام هستید و مادران شافع است.»

۶-۱-۱۶: شفاعت حضرت زهرا در اشعار معاصر عربی

مدرسی در قصیده میلاد زهرا (ع)، دوستی این خاندان را سپر و توشه خودش می‌داند و تصریح می‌کند که در شدايد و مشکلات، دستگیره محکم ولایت پشتیبان من است:

يَا مُنْتَهَى الْأَشْوَاقِ عَشْقُكَ زَادِي	يَا مُنْتَهَى الْأَمَانِ حُبُّكَ جُنِّي
وَ طَوْتُ يَدِ الطُّوفَانِ كُلِّ عِمَادِ	فَإِذَا تَمَرَّقَتِ الْخِيَامُ جَمِيعُهَا
لَا خَوْفَ، إِنَّي ثَابِتُ الْأَوْتَادِ	بِالْمُرُوءَةِ الْوُثْقَى أَنَا مُتَمَسِّكٌ

(گروه شاعران، ۱۴۲۹: ۱۲۲)

«ای که نهایت امان تو سپرم است. و ای آن که نهایت شوق عشق تو توشه‌ام است. هنگامی که همه خیمه‌ها پاره شوند و دست طوفان هر ستونی را درهم پیچد من به عروۀ الوثقی چنگ می‌زنم. هیچ ترسی نیست و من استوارم.»

تمسک به ریسمان محکم اهل بیت (ع) که هیچ کژی و سستی در آن راه ندارد، مورد تأکید ابیات مذکور بوده است. در ابیات فوق‌الذکر آرایه تشبیه وجود دارد. اهل بیت (ع) به ریسمان محکم و استوار تشبیه شده‌اند؛ یعنی ایمان به دوستی اهل بیت (ع) است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۶۸/۱۷-۶۹). خداوند خواسته است از باب تشبیه معقول به محسوس چیزهایی را که با حواس ظاهری حس نمی‌شنوند به چیزی که با حواس ظاهری ما درک می‌شود، تشبیه کند.

فرطوسی با بیانی شیوا، به جایگاه و مواطنی که زهرا (ع) شفاعت می‌کند، اشاره نموده و چنین سروده است:

وَ بَدَاؤُ الْبُتُولِ سِدْرَةُ طُوبَى
وَ لَهَا أَفْضَلُ الشَّفَاعَةِ مِنْهُ
حَبْوَةٌ مِنْهُ عِنْدَ يَوْمِ الْجَزَاءِ
وَ هِيَ فِي الْحَشْرِ خَيْرَةُ الشَّفَعَاءِ

(همان، ۱۷۴)

«در خانه فاطمه (ع) سدره طوبی (درختی بهشتی) است. بخششی از او در روز قیامت است و برای او بهترین شفاعت به شمار می‌رود و او در قیامت بهترین شفیعان است.»

در بیت اول آرایه مجاز لغوی مرسل وجود دارد. واژه سدره و طوبی نام درختانی در بهشت است. ذکر حال و اراده محلّ و علاقه حالیّه است. و منظور خود بهشت به قرینه ظرف و مظروف است، یعنی زهرا (ع) در بهشت بهترین شفیع ما خواهد بود.

البته شفاعت شامل کسانی خواهد شد که حبّ زهرا (ع) را در دل داشته باشند و در ساعت احتضار و عذاب قبر و قیامت و عبور از پل صراط و حساب و کتاب قیامت آن حضرت (ع)، شفیع بندگان محبّ خواهد بود:

إِنَّ حُبَّ الرَّهْرَاءِ يَنْفَعُ حَقًّا
وَ أَقْلُ الْأَهْوَالِ مِنْهَا بَلَاءٌ
وَ عَذَابُ الْقُبُورِ وَ الْحَشْرِ مِنْهَا
وَ حِسَابُ الْعِبَادِ وَ الْوِزْنُ عَدْلًا
أَهْلَهُ فِي مَوَاطِنَ لِلْبَلَاءِ
عِنْدَ وَضْعِ الْمِيزَانِ يَوْمَ اللَّقَاءِ
غَيْرَ حُبِّ الزَّكِيَّةِ الْحَوْرَاءِ
لَيْسَ يُنْجِي الْعِبَادَ بِالْأَمْنِ مِنْهَا

(همان، ۱۸۱)

«دوستی زهرا (ع) به درستی در جایگاه‌های بالا اهلش را سود می‌بخشد و کمترین ترس از جانب او آزمایشی در ساعت مرگ به هنگام فنا است. و عذاب قبر و حشر و عبور از صراط در روز قیامت و حساب بندگان به میزان عدل به هنگام گذاشتن ترازوی عدالت در قیامت بندگان را به امان و امنیت جز به دوست داشتن فاطمه زهرا نجات نمی‌دهد.»

در بیت اول با ادات تأکید «إِنَّ» و مفعول مطلق تأکیدی، شاعر به دنبال این است که دوستی زهرا (ع) موجب شفاعت در قیامت است، لذا در این جا إِنَّ و مفعول مطلق تأکیدی را به قصد بیان منظور خود به کار می‌گیرد.

سید مهدی اعرجی درباره شفاعت حضرت زهرا (ع) چنین سروده است:

شَفِيعَةُ يَوْمِ الْحَشْرِ أَرْجُو بِمَدْحِهَا عَدَا مَحْوَمًا أَجْنِيهَ مِنْ سَيِّءِ الْفِعْلِ

(همان، ۲۹۱)

«شفیع روز قیامت به مدحش امیدوارم، فردا به محو کردن آنچه از کارهای بد انجام داده‌ام.»
 بنابر اعتقاد این شاعر، مدح اهل بیت (ع) و بازگویی فضایل ایشان، موجب رسیدن به شفاعت ایشان در روز جزا می‌گردد.

یوم الحشر یکی از نام‌های قیامت و به معنای روز گردهمایی و محشور شدن و زنده کردن است و در این جا مجاز به علاقه‌حالیته و منظور روز حسابرسی اعمال قیامت است که در آن مرحله شاعر آرزوی شفاعت از زهرا (ع) را دارد.

۶-۱۷: شفاعت حضرت زهرا (ع) در اشعار معاصر فارسی

شفاعت حضرت، از مضامین مشترک شعری دو زبان فارسی و عربی است که در ذیل به نمونه‌های فارسی اشاره خواهد شد. ناظرزاده کرمانی چنین سروده است:

و آن زیوری که بست به بازوی تو عدو افزود ای شفیعۀ محشر! بهای تو

(احمدی بیرجندی، ۱۳۷۹: ۱۰۳)

در این بیت شاعر به طور مجازی اشاره به حمله خانۀ زهرا (ع) و ایجاد زخم بر بازوی او سخن می‌راند تا بر مخاطب تأثیری بیش‌تر بگذارد.

ضیائی، زهرا (ع) را شفیعۀ محشر خطاب می‌کند و می‌گوید سیاه و سفید و بزرگ و کوچک همه به شفاعت حضرتش چشم دوخته‌اند.

ای فلک عصمت و شفیعۀ محشر
چشم شفاعت همه به لطف تو دوزند
مهر جهانی و نور چشم پیمبر
جمله سفید و سیاه و کهتر و مهتر

(همان، ۱۱۲)

شاعر در بیت دوم ترکیب چشم شفاعت را استفاده نموده که خود تصویرآفرینی بدیع و جذاب است. این شیوه که به آن تشخیص گفته می شود در برانگیختن احساسات مخاطبان نقش به سزا دارد. علاوه بر آن از اصل تخییل هم استفاده نموده است. اصولاً هنر وقتی جلوه می کند که خیال در کار باشد. (ابوحاقت، ۱۹۹۳: ۲۹۶) شفاعت را به انسانی مجسم کرده، سپس برای آن چشم را در نظر گرفته است.

و در ادامه اشعارش می‌سراید:

فاطمه ای گوهر دریای راز
باد فدایت پدر و مادرم
ای پدرت رحمة للعالمین
من که ز احسان تو شرمندهام
جز به توام هیچ سروکار نیست
از کرم خویش گناهم ببخش
فاطمه ای آن که خرد مات تست
ما همه را سوی تو روی نیاز
خاک ره فضا تو افسرم
مرحمتی کن به من دل غمین
دست به دامن تو افکنده‌ام
غیر حسینت دگرم یار نیست
در کنف خویش پناهم ببخش
چشم مؤید به کرامات توست

(همان، ۱۴۵)

در بیت نخست شاعر فاطمه (ع) را به گوهر تشبیه می کند و می‌خواهد اثبات نماید که زهرا (ع) انسانی والا و ارزشمند است. در مقایسه میان سروده‌های فارسی و عربی در بحث شفاعت، شاعران ادب عربی در سرایش اشعارشان به روایات اهتمام ویژه داشتند. ولی شاعران ادب فارسی در موضوع شفاعت، توصیفی کلی می‌کنند و جنبه روایی را کم‌تر در نظر می‌گیرند. شاعر در ابیات فوق با اسلوب ندا زهرا (ع) را مورد خطاب قرار می دهد و امید به شفاعت حضرتش را به زیبایی ابراز می‌دارد و در معنای مجازی استغاثه فریادرس خواستن، از این اسلوب استفاده نموده است. (حسینی، ۱۳۷۵: ۲۲۴).

نتیجه‌گیری

پس از بررسی موضوع بررسی تحلیل ساختاری و محتوایی سیمای حضرت زهرا (ع) در شعر معاصر عربی و فارسی، نتایج و رهیافت‌های زیر حاصل شد:

۱- جریان فدک و مظلومیت حضرت زهرا (ع) در اشعار عربی به عنوان پایه اصلی این اشعار به شمار می‌رود و روایتگری شاعران عرب بر اساس کتاب‌های روایی در سروده‌های عربی آشکار است. بنابراین، بخشی گسترده از اشعار عربی به جریان فدک و مظلومیت زهرا (ع) اختصاص یافته در حالی که اشعار ادبیات فارسی با این مضمون، روایی نیست و کمیت آن اندک است و در یک قصیده تنها یک یا دو بیت به جریان فدک اختصاص دارد؛

۲- شاعران ادب فارسی و ادب عربی معاصر در ترسیم سیمای زهرا (ع) از جهت تصویرسازی در اشعارشان از ابزارها و عناصری مانند: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بهره گرفته‌اند و در این مسیر از غلو و اغراق پرهیز نموده‌اند. هم‌چنین از اصول تجسیم و تشخیص جهت تصویرسازی و معرفی سیمای ایشان استفاده نموده‌اند؛

۳- اهتمام فراوان ادب عربی به مسئله ازدواج الهی حضرت زهرا (ع) در مقایسه با ادبیات فارسی این گونه است که ادب عربی در توصیف ازدواج حضرت، چون ازدواج الهی بوده، تأکید شعرا بیش‌تر معطوف جنبه الهی بودن ازدواج است؛ در حالی که در ادبیات فارسی، این بعد نسبت به ادب عربی کم‌رنگ‌تر است؛

۴- از منظر ساختاری شعرای معاصر ادب عربی و ادب فارسی با شیوه‌ای دقیق و هنرمندانه، یعنی بهره‌مندی از موسیقی خارجی و موسیقی داخلی و قافیه و نظام واژگانی خاص در خلق تصاویری جذاب بر مخاطبان تأثیری عمیق نهاده‌اند؛

۵- در فضایل و مناقب عالیة حضرت زهرا (ع)، هم در ادب عربی و هم ادب فارسی از فخر مدد می‌جویند و با توجه به هیبت و عظمتی که فاطمه (ع) در اسلام دارد، در اشعار شاعران شیعی معاصر عربی و فارسی، اهتمام زیادی به آن شده است؛

۶- از منظر صور خیال در هردو شعر کم‌رنگ است و با توجه به روحانی بودن زهرا (ع)، جنبه واقع‌گرایی با بیان زیبای شعری بر این اشعار حاکم است و جنبه رئالی در هر دو اشعار مشاهده می‌شود و به موضوعات حماسی توجه نموده‌اند؛

۷- شاعران ادب معاصر فارسی و عربی در اشعارشان با به کارگیری شیوه‌های انشایی مانند استفاده برای افزایش انگیزندگی و تأثیر بیش‌تر بر مخاطب بهره برده‌اند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید هبة الله (۱۳۸۵ق)، شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۵)، مناقب آل ابی طالب (ع)، به تصحیح محمدکاظم کتبی، نجف اشرف: مکتبة حیدریة.
۴. ابن مغزلی، علی بن محمد (۱۳۹۴ق)، مناقب علی بن ابی طالب (ع)، تهران: مکتبة الإسلامیة.
۵. ابوحاقة، احمد (۱۹۹۳)، البلاغة و التحلیل الادبی، بیروت: دارالعلم للملایین.
۶. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۹)، مناقب فاطمی در شعر فارسی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۷. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمة، تبریز: مکتب بنی هاشمی.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۹)، صحیح بخاری، ارومیه: حسینی اصل.
۹. جزری، ابن اثیر (۱۴۳۰)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق خلیل مأمون، الطبعة الرابعة، دارالمعرفة، بیروت.
۱۰. حسینی، سید علی (۱۳۷۵)، ترجمه و توضیح تهذیب البلاغه، قم: دارالعلم.
۱۱. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۲۹)، معجم البلدان، تصحیح محمد عبدالرحمن المرعشی، الطبعة الأولى، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۲. زاهدی، زین الدین (بی تا)، روش گفتار (علم البلاغه)، مشهد: چاپخانه دانشگاه فردوسی.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۲۰۱۰)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه.
۱۵. شهیدی، سید جعفر (۱۳۹۱)، زندگانی فاطمة زهرا (ع)، چاپ پنجاه و پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۱۷. طبری، احمد بن عبدالله (۱۴۲۸ق)، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، تصحیح سامی العزیری، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامی.
۱۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۳)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. عبدالنواب، صلاح الدین (۱۹۹۵م)، الصورة الادبیة فی القرآن الکریم، بیروت: مکتبة اللبنا.

۲۱. فاضلی، محمّد (۱۳۸۸)، *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة*، چاپ سوم، مشهد: سمت.
۲۲. فیض الله زاده، عبدالعلی؛ حشمتی، بهزاد (۱۳۹۴)، بازتاب شخصیت حضرت عباس (ع) در ادبیات معاصر عربی و فارسی، *پژوهشنامه نقد ادب عربی*، شماره ۱۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. قمی، عباس (۱۳۶۳)، *سفینة البحار*، تهران: فراهانی.
۲۴. گروه شاعران (۲۰۱۲م)، *فاطمة الزهرا (ع) فی دیوان الشعر العربی*، چاپ اول، تهران: بعثت.
۲۵. متقی هندی، علاءالدین (۱۴۰۵)، *کنز العمال فی سنن و الاقوال و الافعال*، به تصحیح صفوه سقا، الطبعة الخامسة، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان (۱۳۵۴، ۱۳۸۷)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۲۷. نصیریان، یدالله (۱۳۸۰)، *علوم بلاغت و اعجاز قرآن*، تهران: سمت.
۲۸. نوروزی کرمانشاهی، محمدجواد (۱۳۸۸)، *نهج الاعجاز*، قم: نشر.

